

بلاغت و فصاحت قرآن و ساختار طولی سوره‌ها (با رویکرد تحلیل تأثیر اهداف سوره‌ها بر طول آنها)

----- علیرضا عظیمی‌فر^۱ و سید محمدحسین میری^۲ و زهره زکی^۳

چکیده

ساختار قرآن کریم بر اساس نظامی ویژه از واژگان، ترکیبات بدیع و نکات ظریف، به اذن خداوند حکیم شکل گرفته است. تفاوت حجم واژگان، جملات و عبارات در آیات و سوره‌ها، موجب کوتاهی یا بلندی آن‌ها شده است. «اختلاف طول سوره‌ها و آیات قرآن» از موضوعاتی است که به عنوان یکی از ویژگی‌های بلاغی سوره‌های مکی و مدنی شناخته می‌شود. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی در پی بررسی رابطه بلاغت و فصاحت قرآن با اختلاف ساختاری طول سوره‌ها است. علامه طباطبایی معتقد است که علت اصلی تفاوت طول سوره‌ها، اختلاف در اهداف آن‌هاست. تبیین جایگاه اهداف سوره‌ها و نقش آن در بلاغت - که یکی از مؤلفه‌های اعجاز بیانی قرآن است - از جنبه‌های مهم این تحقیق به شمار می‌رود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حکمت کوتاهی و بلندی سوره‌های قرآن، در راستای اهداف آن‌هاست؛ این امر به عنوان حکمتی فرعی در خدمت اثبات بلاغت قرآن قرار می‌گیرد. بنابراین، اهداف سوره‌ها نیز به شکلی غیرمستقیم به بلاغت و فصاحت قرآن بازمی‌گردد که می‌توان آن را حکمت اصلی و درون‌متنی اختلاف طولی سوره‌ها دانست.

واژگان کلیدی: بلندی و کوتاهی سوره‌ها، ساختار درونی سوره‌ها، فصاحت و بلاغت، اعجاز بیانی، اهداف سوره‌ها.

۲۵

قرآن پژوهی

سال دوم / شماره ۸ / تابستان ۱۴۰۲

۱. استاد دانشکده اصول الدین، قم، ایران؛ (mailto:azimifar7@gmail.com).

۲. دانشیار رشته معارف، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان؛ (miri@asnrkh.ac.ir).

۳. دانش‌آموخته سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی، مدرسه تخصصی حوزه علمیه الزهراء (س) اهواز، ایران، «نویسنده

مسئول»؛ (zohzaki@gmail.com).

مقدمه

قرآن کریم مجموعه‌ای به هم پیوسته با هدف و روحی واحد است. علاوه بر این، تعداد آیات در هر سوره با سوره دیگر متفاوت بوده و از ترتیبی یکنواخت پیروی نمی‌کند. این امر موجب اختلاف طولی سوره‌ها و آیات قرآن شده است، و در پس این تفاوت، حکمتی الهی نهفته است. یکی از مباحث مهم در علوم قرآنی و مبانی صدور دانش تفسیر، موضوع اعجاز قرآن است. از آنجا که یکی از ویژگی‌های بلاغی سوره مکی و مدنی، «بلندی و کوتاهی آیات و سوره‌های قرآن» معرفی شده است، نگارنده بر این باور است که این ویژگی با فصاحت و بلاغت قرآن ارتباطی عمیق دارد. اینک این پرسش ذهن نگارنده را به خود مشغول کرده است: میان این اختلاف ساختاری که در قالب «بلندی و کوتاهی سوره‌ها» جلوه می‌کند، و بلاغت قرآن چه ارتباطی وجود دارد؟

پیشینه: در ذیل ابتدا به بررسی سوابق و دیدگاه‌های مختلف درباره موضوع پرداخته می‌شود.

۱. جلال‌الدین سیوطی، قرآن‌پژوه قرن دهم از اهل سنت، برای نخستین بار به مبحث طول سوره‌ها به طور گذرا اشاره داشته است: حکمت نزول قرآن به صورت سوره‌سوره این است که معجزه بودن هر یک از سوره‌ها تأکید شود و نشان دهد که هر سوره دارای اسلوب و شیوه‌ای ویژه است. افزون بر این، حکمت عملی آن نیز در آموختن قرآن به کودکان نهفته است، به گونه‌ای که بتوانند به تدریج از سوره‌های کوتاه به بلند را بیاموزند و حفظ کتاب خدا برای بندگان آسان تر شود (سیوطی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۳۱).

۲. محمد عبدالعظیم الزرقانی، از قرآن‌پژوهان اوایل قرن ۱۴، معتقد است: تنها مرجع تعیین بلندی، کوتاهی و متوسط بودن سوره‌ها و نیز آغاز و پایان آنها، خداوند یکتاست که بنا به حکمت برتری چنین اراده کرده است. دانایان به این حکمت آگاهند و جاهلان از آن غافل (زرقانی، ۱۴۱۴، ص ۳۴۴).

۳. علامه طباطبایی، مفسر قرن ۱۴ از مکتب امامیه، بر این باور است: بلندی و کوتاهی سوره‌های قرآن به غرض و هدف سوره‌ها بستگی دارد. غرض سوره همان محوری است که تمامی آیات آن حول آن محور گرد آمده و تا آن هدف تأمین نشود، خداوند آن سوره را به پایان نمی‌رساند (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۷).

۳. آیت‌الله معرفت، از علمای معاصر علوم قرآن امامیه، بر این باور است: اشتمال هر سوره بر تعدادی آیات، امری توقیفی است. کم یا زیاد بودن آیات هر سوره به دستور خاص پیامبر اکرم ﷺ

انجام گرفته و تاکنون بدون دخل و تصرف باقی مانده است. در این امر سزای نهفته است که به اعجاز قرآن و تناسب آیات مربوط می‌شود (معرفت، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱). دیدگاه این بزرگان در خصوص چرایی بلندی و کوتاهی سوره‌های قرآن به مباحث درون‌متنی قرآن معطوف است. لازم به ذکر است که آیت‌الله معرفت در نوشته‌های اخیر خود، در باب حکمت اختلاف ساختاری سوره‌های قرآن، مبتنی بر تفاوت اهداف و اغراض هر سوره اشاره کرده و تصریح می‌کند که هر سوره اهداف خاصی را دنبال می‌کند و برای نیل به آن اهداف جهت‌گیری شده است (معرفت، ۱۳۹۸، ص ۸۴).

۴. نصر حامد ابوزید، دانش‌پژوه مسلمان مصری و از نومعتزله معاصر، در این خصوص می‌نویسد: معیار کوتاهی و بلندی آیات و سوره‌ها را می‌توان بر دو دلیل اساسی استوار کرد. دلیل نخست، انتقال دعوت پیامبر از مرحله لندار به مرحله رسالت است. دلیل دوم، مراعات حال نخستین گیرنده وحی برای عادت کردن به شرایط نزول وحی است (نصر حامد، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲). از منظر ابوزید، حکمت اختلاف ساختاری سوره‌ها دلیلی برون‌متنی بوده و از جنبه تاریخی و فضای نزولی بهره می‌برد.

تا آنجا که بررسی‌ها نشان داده، در زمینه «کوتاهی و بلندی سوره‌های قرآن و رابطه آن با بلاغت و فصاحت»، آثار مستقلی نگاشته نشده است. اگرچه در برخی منابع علوم قرآنی به‌طور اجمالی و گذرا به این موضوع اشاره شده است، اما با توجه به اهمیت موضوع و ناکافی بودن منابع موجود، ضرورت دارد این مسئله از منظر علمی و به منظور تأمین نیازهای جامعه پژوهشی بازخوانی و مورد تبیین قرار گیرد.

فرضیه نگارنده و روش تحقیق: نگارنده بر این باور است که رابطه‌ای عمیق میان فصاحت و بلاغت، به‌عنوان شاخصه‌های اصلی اعجاز بیانی قرآن و اختلاف ساختاری در طول سوره‌های قرآن وجود دارد. به اعتقاد وی، یکی از حکمت‌ها و دلایل درون‌متنی برای بلندی و کوتاهی سوره‌های قرآن، بازگشت این ویژگی به مفهوم «اعجاز بیانی» قرآن است. به این معنا که دلیل اصلی اختلاف ساختاری سوره‌ها به مهم‌ترین شاخصه اعجاز بیانی قرآن، یعنی فصاحت و بلاغت آن بستگی دارد. در راستای ارائه فرضیه، نگارنده ابتدا به شرح مفاهیم کلیدی موردنظر نوشتار پرداخته و سپس ساختار و حیاتی قرآن و جنبه‌های اعجاز آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه، مسئله تحدی قرآن و گستره آن را تحلیل کرده و توجه ویژه‌ای به وجه اصلی اعجاز، یعنی اعجاز بیانی قرآن،

معطوف می‌نماید. در این میان، مباحث مربوط به فصاحت و بلاغت قرآن و همچنین ویژگی ایجاز و اطناب در سوره‌ها مطرح شده و رابطه آنها با اختلاف طولی سوره‌ها به طور خاص بررسی خواهد شد.

در مرحله بعد، دیدگاه علامه طباطبایی درباره این موضوع واکاوی و تحلیل شده و نظریه نگارنده در این زمینه تبیین می‌گردد.

الف. مفهوم‌شناسی

۱. کوتاهی و بلندی آیات و سوره‌ها

سوره در لغت به معنای مرتبه و منزلت، قطعه و بخشی از شیء، و هیجانی همراه با ارتفاع و اعتلا است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۳۱۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۴). در اصطلاح، به قطعه‌ای از کلام الهی گفته می‌شود که دارای انسجام محتوایی بوده و مطلع و مقطع مشخصی دارد. قطعه‌های مختلف کتاب الهی نیز به همین دلیل به سوره نام‌گذاری شده‌اند، چرا که مانند دیوار یا حصار شهر، از تهاجم مخالفان جلوگیری می‌کنند و هر سوره نمادی از هیجان، اعتلا و ظهور خداوند در برابر معاندان است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۳۱۴). همچنین، از آنجا که دیوار شهر تمام خانه‌ها و محتویات آن را در برمی‌گیرد، سوره قرآن نیز تمام آیات و کلمات مربوط به خود را در برمی‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۴). برخی از لغت‌شناسان نیز سوره را مشتق از کلمه «سور» دانسته‌اند که به معنای قطعه یا قسمت باقی‌مانده شیء است (ابن‌منظور، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۸۶).

مراد از کوتاهی و بلندی سوره‌ها و آیات قرآن، حجم واژگان، جملات و عبارات آن است که از نظر کمی، یک آیه یا یک سوره را تشکیل می‌دهند. به بیان دیگر، بر اساس نظامی ویژه از واژگان و ترکیبات، کلمات به شکلی منظم کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. از این رو، حجم واژگان، جملات و عبارات در آیات و سوره‌ها متفاوت است و این موضوع موجب طولانی یا کوتاه بودن سوره‌ها و آیات می‌شود.

سوره و آیه دو حقیقت قرآنی هستند که هر سوره با عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز شده و هدف مشخصی را بیان می‌کند. این هدف، معرف سوره بوده و در هیچ سوره‌ای از این قاعده تخلف نشده است، جز در سوره براءت (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۳، ص ۳۷۶-۳۷۷).

۲. ساختارمندی درونی بلندی و کوتاهی آیات و سور

منظور از ساختارمندی درونی قرآن ساختارمندی درونی قرآن به معنای وجود چینی و حیانی

در چهار مرحله است که بیانگر حکمت الهی در این ساختار است. مراحل چهارگانه به شرح زیر است:

۱. چینش کلمات و جملات در کنار یکدیگر: این چینش آیات قرآن را تشکیل می‌دهد، مانند جملات مختلف در آیه الکرسی.
۲. چینش آیات در کنار یکدیگر: این چینش پیکره‌ای از آیات را تشکیل می‌دهد، مانند آیات آغازین و پایانی سوره بقره.
۳. چینش پیکره آیات در کنار یکدیگر: این چینش، یک سوره را تشکیل می‌دهد، نظیر کنار هم قرار گرفتن پیکره‌های مختلف آیات در سوره بقره که در نهایت به این سوره هویت داده‌اند.
۴. چینش سوره‌ها در کنار یکدیگر: این چینش، شکل کنونی قرآن را سامان داده است، به‌گونه‌ای که قرآن با سوره فاتحه آغاز شده و با سوره ناس پایان یافته است (نصیری، ۱۳۹۰، شماره ۱۳، ص ۳۸).

آیت‌الله معرفت می‌گوید: ساختار قرآن یک ساختار وحیانی است و هیچ دست دیگری در چینش واژگان و نظم معانی آن دخالت نداشته است. لفظ و معنای قرآن، ساخته مستقیم وحی است. قرآن، به تصریح خود،^۱ کلام الله است و هیچ‌گاه سخنی به شخصی نسبت داده نمی‌شود، مگر آنکه خود، نظم‌دهنده و مؤلف ساختار آن سخن باشد (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۶).

ب. قرآن معجزه الهی

معجزه بودن قرآن به دلیل برخورداری از معارف بلند، فصاحت و بلاغت، و ویژگی‌هایی است که هیچ کس توانایی آوردن مشابه آن را ندارد. این امر موجب شده است که اعجاز قرآن به‌عنوان یکی از محورهای اصلی دین اسلام شناخته شود. زرکشی، صاحب کتاب «البرهان فی علوم القرآن»، معتقد است که اعجاز قرآن به تالیف آن مرتبط است؛ تالیفی که حکایت از اعتدال و هماهنگی ویژه‌ای میان کلمات و حروف قرآن دارد (مودب، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵).

مصطفی صادق رافعی، از اندیشمندان معاصر، بیان می‌دارد که اعجاز قرآن بر دو اصل استوار است: نخست، ناتوانی بشر در مقابله و معارضه با آن (تحدی قرآن)، و دوم، استمرار این ناتوانی در

۱. «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» (توبه: ۶)؛ «اگر مشرکی از تو پناه خواست، پناهش ده تا کلام خدا را بشنود».

تمامی اعصار. به عقیده وی، عجز هر دوره به تنهایی کافی است تا ثابت کند قرآن یک معجزه الهی است (رافعی، ۱۳۶۰، ص ۱۱۱).

۱. تحدی قرآن و گستره آن

منظور از تحدی، ارائه سخنی است که از نظر معنویت والا بوده و در درجه اعلا فصاحت و بلاغت قرار داشته باشد (معرفت، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۲۵). به این معنا که قرآن دیگران را به مبارزه می‌طلبد و از آنان می‌خواهد اگر در خدایی بودن قرآن تردید دارند، همانند آن را بیاورند. از آنجایی که اعجاز قرآن بر مسئله تحدی استوار است، این پرسش مطرح می‌شود که این تحدی به کدام بُعد از ابعاد اعجاز قرآن اشاره دارد؟ آیا این تحدی تمامی ابعاد اعجاز، از جمله بیانی، علمی، اخبار غیبی، محتوایی، تشریحی، عدم اختلاف، و سایر وجوه شناخته‌شده اعجاز را شامل می‌شود، یا صرفاً به بُعد خاصی مانند بیانی یا محتوایی محدود است؟

تحدی در بُعد فصاحت و بلاغت قرآن چنان مورد توجه قرار گرفته است که برخی گمان کرده‌اند اعجاز قرآن تنها به فصاحت و بلاغت آن محدود می‌شود. این باور از آن جهت شکل گرفته که بخش قابل توجهی از مباحث تحدی قرآن به فصاحت و بلاغت آن ناظر است. در دوران جاهلیت، مردم تا حدی با قوانین ادبی آشنا بودند و گاه جملات ادبی و به ظاهر شیوایی ارائه می‌کردند. اما قرآن نه تنها با ادبیات رایج آن عصر سخن نگفت، بلکه به آن رنگ و صبغه الهی بخشید (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، صص ۱۳۳-۱۳۴).

علامه محمدجواد بلاغی نجفی در مقدمه تفسیر خود در خصوص اعجاز قرآن می‌فرماید: معارف و دانش عربی که اسلام دعوت خود را با آنها آغاز کرد، منحصر به ادب عربی بود و از سایر علوم و صنایع بی‌بهره بودند. از این رو، هر کار خارق‌العاده‌ای غیر از ادب عربی (سخن‌سرایی) برای آنان قابل قبول نبود و در مواجهه با آن، یا آن را سحر می‌دانستند یا مهارتی که از سرزمین‌های بیگانه وارد شده است، خواه در صنعت باشد یا در علوم طبیعی. از این رو، چنین کارهایی را به‌عنوان معجزه الهی نمی‌پذیرفتند، حتی گاه شک آنان بیشتر می‌شد. به همین دلیل، اقتضای حکمت الهی بر آن بود که اعجاز قرآن در بلاغت آن جلوه‌گر شود. بدین ترتیب، عرب در برابر آن احساس عجز کرد و تسلیم الهی شد (بلاغی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶).

موید این بیان، این آیه است: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَلَّعَجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ...» (فصلت: ۴۴/۴۱) «و اگر [این کتاب را] قرآنی غیرعربی گردانیده بودیم، قطعاً می‌گفتند: چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده؟ کتابی غیرعربی و [مخاطب آن] عرب زبان! بگو: این [کتاب]

برای کسانی است که ایمان آورده‌اند». این آیه تأکید می‌کند که برای پذیرش اولیه قرآن، لازم بود این کتاب به زبان عربی و با این شیوه بیان گردد تا عرب‌ها بتوانند آن را بپذیرند.

مضمون آیه این است که اگر ما قرآن را غیرعربی قرار می‌دادیم و آن را بر عرب‌ها می‌خواندیم، آنان به قرآن ایمان نمی‌آوردند. چراکه عادت عرب‌ها چنین بوده که تنها آنچه را از خود می‌دانستند و می‌فهمیدند، می‌پذیرفتند و به راحتی برنامه هدایتی قرآن را قبول نمی‌کردند. بنابراین، هنر قرآن این بود که متنی را به عنوان بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اسلام (ص) نازل کند که هم از لحاظ ساختار، اسلوب و سبک بیانی و هم از نظر محتوای معارف بیان‌شده، اعجاز داشته باشد. به گونه‌ای که عرب، با همه مهارتش در بلاغت، از هم‌آوردی با آن عاجز و درمانده شود و این امر انگیزه‌ای برای پذیرش الهی بودن این متن گردد.

۳۱

قرآن شپوهر

بلاغت و فصاحت قرآن و ساختار طوطی سوره‌ها

در خصوص گستره تحدی قرآن، دیدگاه معتدلی وجود دارد که آن را به دو بُعد بیانی و محتوایی اختصاص می‌دهد. از منظر آیت‌الله معرفت، این امر به نوع مخاطبان بستگی دارد. در جایی که خطاب متوجه عرب‌زبانان به ویژه اعراب آن دوران است، که سخنوری در میان آنان پیشینه‌ای طولانی داشت، تحدی قرآن به جنبه فصاحت و بلاغت، نظم نو و سبک شگفت آن اختصاص دارد. اما پس از آنکه ندای قرآن به تمامی بشریت رسید و همگان مخاطب آن قرار گرفتند، تحدی قرآن به تمام وجوه اعجاز آن گسترش یافت (معرفت، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۲۳).

علامه طباطبایی، ذیل آیات «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۴-۲۳)، می‌فرماید که آیات تحدی در قرآن، بر اعجاز آن دلالت دارند و تحدی قرآن عام و در تمامی جهات است. مانند تحدی عام در آیه «قُلْ لَئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ» (اسراء: ۸۸) که می‌فرماید: «ای پیامبر بگو اگر تمامی جن و انس جمع شوند، نمی‌توانند به مانند این قرآن بیاورند». این امر به روشنی نشان می‌دهد که اعجاز قرآن در جنبه‌های گوناگون است (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۹).

اگر تحدی تنها به بلاغت و اسلوب زبانی قرآن محدود بود، نباید از حد عرب‌های خاص فراتر می‌رفت. در حالی که آیه، همه انس و جن را مخاطب قرار داده است. این مطلب نشان می‌دهد که اعجاز قرآن تنها از منظر اسلوب زبانی نیست (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۰). همچنین، اگر صفت خاصی غیر از بلاغت و جزالت اسلوب به تنهایی مورد نظر بود، خطاب قرآن باید تنها متوجه گروه خاصی می‌شد. بنابراین، قرآن برای همه معجزه است.

با این حال، می‌توان ادعا کرد که اگرچه اعجاز قرآن به تمام ابعاد آن بازمی‌گردد، اما مشهورترین و گسترده‌ترین وجه اعجاز قرآن، «اعجاز بیانی» آن است.

۲. اعجاز بیانی

یکی از مهم‌ترین وجوه اعجاز قرآن، «اعجاز بیانی» یا «اعجاز ادبی» آن است؛ بدین معنا که قرآن دارای ویژگی‌های فرابشری در بیان آیات خود است که به گفته مفسران مسلمان، بارزترین و مهم‌ترین وجه اعجاز قرآن محسوب می‌شود. اعجاز بیانی قرآن به این معناست که متن قرآن دارای ویژگی‌هایی است که هیچ بشری قادر به ارائه متنی مشابه با آن نیست. سرّ عدم توانایی انسان در آوردن مثل قرآن به این دلیل است که خداوند متعال، هدف خود را بهتر از همه می‌شناسد، حال بندگانش را بهتر از همه می‌داند، و احاطه‌اش به ترکیبات لفظی از همه بیشتر است (مصباح یزدی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۰۹). برخی از مفسران، اعجاز بیانی را در تمامی سوره‌های قرآن جاری دانسته‌اند (معارف، ۱۳۸۵، شماره ۳۷).

آیت‌الله معرفت، «اعجاز بیانی» قرآن را در پنج بخش خلاصه کرده است (معرفت، ۱۳۹۷، ج ۵، صص ۳۳۳-۵۱۶):

۱. **گزینش کلمات:** انتخاب واژه‌ها در قرآن کاملاً حساب‌شده و دقیق است.
۲. **سبک و شیوه بیان:** قرآن سبکی نو و شیوه‌ای تازه ارائه داده که مورد پذیرش و پسند شنوندگان قرار گرفته است.
۳. **نظم آهنگ قرآن:** یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن محسوب می‌شود.
۴. **وحدت موضوعی یا تناسب معنوی:** ارتباط معنوی میان آیات هر سوره، یکی از ویژگی‌های برجسته قرآن است.
۵. **نکته‌ها و ظرافت‌ها:** استفاده از استعاره، تشبیه، کنایه و نکات بدیع از ویژگی‌های بارز قرآن است.

برخی دیگر از پژوهشگران معاصر، اعجاز بیانی قرآن را در چهار بخش عمده خلاصه کرده‌اند:

۱. فصاحت و بلاغت قرآن؛ ۲. نظم قرآن؛ ۳. سبک بیانی قرآن؛ ۴. گزینش واژگان (تناسب آوا و معنا) (جواهری، ۱۳۹۸، ص ۴۶).

۲/۱. فصاحت و بلاغت مهم‌ترین شاخصه اعجاز بیانی قرآن

کلام فصیح به سخنی گفته می‌شود که روان و رسا باشد، کلمات آن با نظمی کامل در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند و از هرگونه پیچیدگی، مشکل و گره‌های لفظی یا معنوی خالی باشد.

چنین کلامی نباید زنده یا ناهنجار به نظر برسد و باید از تافری، ضعف تألیف و تعقید لفظی و معنوی مبرا باشد (معین، ۱۳۵۵، ج ۲، ص ۲۵۵۰). برای مثال، در آیه ۲۷ سوره مائده: «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» در این آیه، حرف «قاف» که از حروف سنگین به‌شمار می‌آید، یازده بار تکرار شده است. با این حال، ترکیب مناسب این حروف با حروف خفیفی چون «باء» و «لام» مانع از ایجاد سنگینی در کلام شده است.

کلام بلیغ به سخنی گفته می‌شود که مطابق با مقتضای مقام و حال مخاطب بیان شود، به شرط آنکه فصاحت را نیز رعایت کند (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۳۳). منظور از «حال مخاطب» مجموعه‌ای از شرایط و زمینه‌هاست که گوینده را به استفاده از نوع خاصی از سخن وامی‌دارد تا کلامی متناسب با شرایط زمانی و مکانی، و ویژگی‌های گوینده و مخاطب ارائه دهد.

برخی قرآن‌پژوهان معاصر درباره بلاغت یک متن ادبی معتقدند که اگر متنی تمام امکانات ادبی همچون استعاره، کنایه و تشبیه را به‌کار گیرد و حتی موسیقی متن را نیز داشته باشد، لزوماً بلیغ نخواهد بود. چراکه بلاغت صرفاً ویژگی یک جمله یا ترکیب خاص نیست، بلکه به جو حاکم بر کل متن و میزان تأثیرگذاری آن بر مخاطب وابسته است. متنی که بر مخاطب تأثیر نگذارد، متکلف و غیر موثر خواهد بود. به بیان دیگر، ممکن است متنی گوش‌نواز باشد اما دل‌نواز نباشد. تنها زمانی یک متن دل‌نواز می‌شود که بتواند در مخاطب خود تأثیر بگذارد. بنابراین، سخن بلیغ صرفاً کلامی مطابق با مقتضای حال مخاطب نیست؛ بلکه میزان تأثیرگذاری آن بر مخاطب، حتی بر مخاطبین آینده، اهمیت بسزایی دارد و این تأثیرگذاری بلاغت متن را دوچندان می‌کند (خاتمی، ۱۴۰۱، افق). بنابراین، تأثیرگذاری اصلی‌ترین دغدغه یک گوینده بلیغ است و نقشی اساسی در ساختار سخن او ایفا می‌کند (جواهری، ۱۳۹۸، ص ۵۱).

۲/۲. شیوه بلاغت قرآن یک سبک بدیع و اثرگذار

پیش از ظهور اسلام، اعراب در مقام تحدی و مبارزه با یکدیگر بودند. فصاحت نزد آنان به معنای سلامت کلام، ارتباط معانی با یکدیگر، حسن تنظیم کلمات و حروف، و مطابقت کلام با طبیعت بود. آنان برای دستیابی به اهداف خود از صنایع بدیع بهره نمی‌گرفتند و مکلف به استفاده از آن نبودند. صفات به‌سادگی در خاطر آنان منعکس می‌شد و الفاظی که معانی مقصود را منتقل می‌کردند، بر زبانشان جاری می‌گشت.

با نزول قرآن و ظهور اسلوب مخصوص آن، اعراب به ضعف خود در برابر این متن اعتراف کردند. فصیحان عرب اذعان داشتند که این نوع سخن، کاملاً متفاوت از آنچه در میان آنان رایج بود، و برخوردار از کمالی بی نظیر در زبان است (رافعی، ۱۹۷۳، ص ۲۰۹). از این رو می توان دریافت که بیان قرآن و سبک و اسلوب آن، نوعی بدیع و نوآورانه است که مختص به خود قرآن بوده و خالق آن، ذات باریتعالی است. همین ویژگی برای اثبات الهی و غیربشری بودن قرآن کفایت می کند.

این سبک بیان در ساختار کوتاه و بلند سوره های قرآن، همراه با روش بیان احکام، فرامین، نواهی، قصص، کنایات و تمثیل، همگی نشانگر اختصاص این نوع بیان به خداوند متعال است. به بیان دیگر، خداوند برای حداکثر تأثیرگذاری بر مخاطبان، شیوه ای را ابداع نمود تا پیامبرش (ص) را در ابلاغ دین، انذار و تبشیر یاری نماید؛ همان گونه که فرموده است: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (قمر: ۱۷) «إِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (دخان: ۵۸).

۲/۳. ایجاز و اطناب

یکی از ویژگی های کلام بلیغ و فصیح در علم معانی، خصوصیت «ایجاز و اطناب» است که در سبک بیان قرآن کریم مورد توجه ویژه قرار گرفته و ارتباط تنگاتنگی با موضوع «اختلاف ساختاری در طول سوره های قرآن» دارد.

«متناسب سازی حجم کلام» با معنا و محتوای موردنظر و ویژگی های مخاطب، یکی از موضوعات مهم در علم معانی است. رعایت این اصل، نه تنها بر بلندی و کوتاهی سوره ها اثرگذار است، بلکه تأثیر بسزایی در تفهیم صحیح و کامل مطالب دارد:

- گاه شرایط اقتضا می کند کلام طولانی شود؛ یعنی الفاظ بسیار برای بیان معنای اندک به کار رود که این حالت را اطناب می نامند. اطناب به معنای فزونی حجم الفاظ نسبت به معنا به دلیل یک فایده خاص است (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۹).

- گاه مقتضی کوتاه کردن کلام است؛ یعنی با الفاظ اندک، معانی بسیار منتقل شود که این حالت ایجاز نامیده می شود، به شرط آنکه متناسب با استعداد و هماهنگی با حال مخاطب باشد؛ در این صورت، کلام بلیغ خواهد بود.

جاحظ می گوید: «قرآن با ایجاز خود، عرب های اُمی و بی سواد را (که سخن را با کلمات مختصر درک می کردند) به مبارزه فراخواند، زیرا سخن گفتن با تفصیل و شرح زیاد، درخور کسانی

است که با نوشتن سروکار دارند، نه با زبان» (محمد ابوزهره؛ محمود ذبیحی، ۱۳۷۹، ص ۳۹۹). از آنجا که عرب عصر نزول قرآن به طور عمده سخن شفاهی داشت و با نوشتن کمتر سروکار داشت، خداوند شیوه‌ای متناسب با حال آنان را به کار گرفت تا ارتباط و تعامل با چنین مخاطبانی برقرار کرده و در قلب آنان اثر بگذارد.

بدین ترتیب، کلام و حیانی قرآن در ابتدا به صورت ساختارهای کوتاه و مسجع نازل شد. بر همین اساس، غالب سوره‌های مکی کوتاه‌تر از سوره‌های مدنی هستند. این ویژگی، یکی از لوازم فصاحت و بلاغت متن قرآن است. ایجاز زیرمجموعه مهم فن بلاغت و از ویژگی‌های برجسته نظم بلیغ قرآن به‌شمار می‌رود. این ویژگی اگر متناسب با مقتضای حال مخاطب باشد، بلیغ شمرده شده و از مزایای مهم کلام محسوب می‌شود (جواهری، ۱۳۹۸، ص ۷۵).

با این حال، باید تأکید کرد که از این حقیقت نباید برداشت کرد که قرآن تحت تأثیر فضای نزول قرار گرفته است؛ موضوعی که ابوزید، از نواندیشان نومعتزله معاصر، به آن اشاره کرده و متن قرآن را بشری و متأثر از فرهنگ عصر نزول دانسته است.

۲/۴. ترابط ایجاز و اطناب با کوتاهی و بلندی سوره‌های قرآن

با توجه به موضوع بحث این نوشتار، یعنی «اختلاف طولی سوره‌های قرآن»، رابطه آن با «ایجاز و اطناب» باید تبیین شود. در سوره‌های کوتاه قرآن، دو ویژگی برجسته مشاهده می‌شود:

نخست، نظم و ترتیب یکنواخت و هماهنگ این سوره‌ها همراه با انسجام الفاظ آن‌ها. برای مثال، در سوره شمس (آیات ۱ تا ۱۵) می‌فرماید: «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا كَلْبَتْ تُمُودُ بَطْعُوهَا إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدمدمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا»

همان‌طور که مشاهده می‌شود، آهنگ، فواصل و الفاظ این سوره انسجام و همبستگی بالایی دارند. به نظر می‌رسد کوتاهی این سوره موجب شده است که نغمه‌ها و مقاطع کلام بدون تغییر باقی بمانند.

نمونه دیگری از این انسجام را می‌توان در سوره طارق مشاهده کرد: «وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ النَّجْمُ الثَّاقِبُ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ إِنَّهُمْ بِكَيْدُونٍ كِيدًا وَاكِيدًا

كَيْدًا فَمَهْلِكِ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُمْ رُؤْيِدًا».

در مواجهه با تردید و شک مخاطبان در مورد حفظ روح و بازگرداندن جسم پس از مرگ، خداوند سخن خود را با قسم بر آسمان و عظمت این پدیده آغاز می‌کند و سپس با بیانی رسا و برهانی قاطع، قدرت الهی بر حفظ روح و بازگرداندن جسم انسان را اثبات می‌نماید. از آیات ۱۱ تا ۱۷، سیاق قسم دوم آغاز شده و قول فصل و غیرهزل بودن آیات قرآن مطرح می‌شود. در نهایت، در قالب یک سوره موجز و کوتاه، خداوند به مقابله با منکران، از حفظ روح و بازگرداندن جسم انسان سخن می‌گوید.

این سبک بیان، هدف هدایت‌گری سوره را منتقل می‌کند که اثبات تأکیدآمیز قدرت خداوند بر حفظ روح و بازگرداندن بدن انسان‌ها و هشدار به منکران نیرنگ‌باز است (تسوجی/الهی‌زاده، ۱۴۰۱، صص ۹۴-۹۱). این نمونه‌ای از سبک هدایت‌گری قرآن در قالب سوره‌های کوتاه و موجز است که فصاحت و بلاغت و وثیق و معجزه‌آسای آن را نشان می‌دهد.

دوم. یکی از ویژگی‌های بارز سوره‌های کوچک قرآن، ایجاز قصر است. به این معنا که هرگاه در این سوره‌ها به بیان قصه‌ای پرداخته می‌شود، از کلماتی فراگیر و به‌دور از اطناب رایج در موارد دیگر قرآن استفاده شده و تمامی آن در بلاغت و بیان، معجزه‌آسا است. به‌عنوان مثال، در سوره فجر (آیات ۱ تا ۱۶) می‌فرماید: «وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشُّعْرِ وَالْوُتْرِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ إِمْرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ وَثُمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمُرْصَادِ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ».

در این سوره، ایجاز معجزه‌آسا نمایان است؛ خداوند سبحان با اختصار به داستان عاد، ثمود و فرعون اشاره کرده و سرکشی، قدرت و نیرومندی آنان را توصیف فرموده است (محمد ابوزهره؛ محمود ذبیحی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۴). در حالی که در سوره‌های دیگری مانند «ص» و «اعراف» که پس از این سوره به ترتیب نزول آمده‌اند، این اقوام به‌طور تفصیلی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

با دقت در اجزا و آیات این سوره‌ها، مشخص می‌شود که تمامی آیات با یکدیگر مرتبط و هماهنگ هستند. کل آیات هر سوره، در یک آهنگ معنوی هم‌نوا بوده و هر آیه، پیرو آیه قبل است، نه از نظر موضوع، بلکه در نظامی شبیه‌تداعی معانی. بدین ترتیب، آیات قرآن خاطره‌هایی را در ذهن انسان مؤمن برمی‌انگیزد که در آیه بعدی توضیح داده می‌شود. این هماهنگی و انسجام در

الفاظ، نغمه‌ها، فواصل و معانی قرآن، یکی از اسرار اعجاز آن است (محمد ابوزهره؛ محمود ذبیحی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۵).

زرقانی در شرح ایجاز قرآن آورده است: معنای این ویژگی آن است که در هر یک از جملات قرآن وضوح و آشکاری متوسطی وجود دارد که متناسب با نیاز بشر به هدایت الهی است، بدون اینکه لفظی بیش از آنچه معنا اقتضا دارد، به کار رفته یا در پاسخ به نیازهای خلق کوتاهی شده باشد. با این حال، قرآن معانی را به طور کامل عرضه کرده است، به گونه‌ای که از این معانی نه چیزی که عنصر اصلی یا تکمیلی به شمار می‌رود کاسته شده و نه چیزی بیگانه بر آن افزوده شده است (زرقانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۴۴).

تا به حال، به اعجاز قرآن، ابعاد آن و مهم‌ترین وجه اعجاز یعنی اعجاز بیانی، نقش بلاغت، ایجاز و اطناب در ساختار طولی سوره‌ها اشاره شده است. سوره‌های قرآن در حکم فصل‌ها و بخش‌های کتاب مقدس هستند. راز جداسازی این سوره‌ها که موجب تفاوت ساختاری در طول آن‌ها می‌شود، به زعم نگارنده، به یکی از ابعاد اعجاز بیانی قرآن یعنی بلاغت آن بستگی دارد. این شیوه استفاده از سوره‌ها، که متناسب با هدفی والا صورت گرفته است و برای هدایت بشر به سوی توحید و یکتاپرستی نازل شده، خود گویای اعجاز قرآن است.

اگر بلاغت اعجاز بیانی قرآن در سبک ایجاز و اطناب وجود نداشت، تناسب‌سازی سوره‌ها در قالب ساختارهای کوتاه و بلند بر مبنای اهداف هر سوره امکان‌پذیر نبود. تبیین اهداف الهی در قالب سوره‌های کوتاه و بلند، اسلوبی الهی است که هیچ ادیبی قادر به ارائه مشابه آن نیست. بر این اساس، می‌توان گفت: حکمت کوتاهی و بلندی سوره‌های قرآن به هدف سوره‌ها وابسته است. این حکمت، دلیلی فرعی و ابزاری برای اثبات اعجاز بیانی قرآن بوده و نشان‌دهنده یکی از جلوه‌های بلاغت اعجاز بیانی آن است.

علت ذاتی و اصلی اختلاف ساختاری و طولی سوره‌های قرآن، «اعجاز بلاغت ادبی و بیانی» آن است که یک حکمت درون‌متنی و اساسی محسوب می‌شود.

ج. رابطه هدف سوره‌ها و طول آنها

برخی مفسران معاصر، مانند علامه طباطبایی و سید قطب، بر این باورند که عامل انسجام سوره‌ها و کوتاهی یا بلندی آن‌ها، غرض و هدف سوره‌ها است. به این معنا که غرض و هدف هر سوره، محوری است که همچون نخ تسبیح، تمامی آیات یک سوره را پیرامون خود جمع کرده است و خداوند متعال برای تحقق آن هدف، سوره را نازل کرده است.

بر اساس این دیدگاه، قرآن با توجه به تفاوت اهداف نزول سوره‌ها، علیرغم اینکه برخی سوره‌ها ممکن است اهداف مشابهی داشته باشند، به منظور تبیین آن هدف و تناسب با آن، از کوتاهی و بلندی سوره‌ها بهره جسته است. از سوی دیگر، برخی دیگر از مفسران، مانند آیت‌الله معرفت، این اختلاف طولی را سرّی از اسرار اعجاز قرآن معرفی کرده و آن را به تناسب آیات مرتبط دانسته‌اند.

علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: کلام خداوند، از ابتدا تا انتها، دارای معنای واحدی است که آن معنای واحد، غرض هدایت خلق بوده و به همین دلیل خداوند کلام خود را به بندگان القا کرده است. این معنای واحد در آیاتی همچون آیه ۱۶ سوره مائده: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» و دیگر آیات، قابل درک است. بر این اساس، هدایت خلق، با نام خدا آغاز شده است.

هر سوره از قرآن، بخشی از کلام الهی است که به صورت جداگانه دارای وحدتی خاص و منحصر به فرد است. این نوع وحدت، نه میان اجزای یک سوره و نه میان سوره‌ای با سوره دیگر قابل تخطی نیست. همچنین از این وحدت می‌توان فهمید که اغراض و مقاصد هر سوره، مختلف بوده و هر سوره، غرض خاصی را ایفا می‌کند؛ غرضی که تا زمانی که سوره پایان نیابد، تحقق نمی‌پذیرد (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۶-۱۷).

با این بیان، رسالت اصلی و نهایی قرآن، تربیت توحیدی و هدایت است. هدف قرآن، ایجاد تغییری ریشه‌دار، ماندگار و همه‌جانبه در زندگی انسان‌ها است. این هدف در طول رسالت پیامبر اکرم (ص) در ۱۱۴ سوره، همچون ۱۱۴ گفتار یا بیانیه تقسیم شده است. بخشی از رسالت قرآن به عهده این گفتارها بوده است. هرکدام از این گفتارها، متناسب با غرض خاص خود، در قالب ساختارهای کوتاه (سه آیه) یا بلند (۲۸۶ آیه) و متناسب با فرهنگ نزول و مخاطبان خود نازل شده‌اند. این گفتارها تا زمانی که به هدف خود نایل نیابند، به پایان نمی‌رسند و این راز اندازه و طول سوره‌ها است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۲۰۳).

تحلیل نظریه علامه طباطبایی

در نقد و تحلیل این نظریه که تنها دلیل اختلاف طولی سوره‌ها به تفاوت اهداف و اغراض آنها مرتبط است، باید به چند نکته توجه داشت:

۱. اگر اختلاف طولی سوره‌ها کاملاً به اختلاف اهداف و اغراض نزول آنها وابسته باشد، نباید میان سوره‌هایی که در هدف و غرض نزول شبیه به یکدیگر هستند، اختلاف

ساختاری قابل توجهی مشاهده شود. در حالی که نمونه‌هایی وجود دارد که علیرغم شباهت غرض و حتی شباهت در مکی یا مدنی بودن، ساختار طولی آن‌ها کاملاً متفاوت است.

- سوره سبأ با ۵۴ آیه و غرضی پیرامون اصول سه‌گانه اعتقادات توحید، نبوت و قیامت (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص ۵۵۶) در مقایسه با سوره لقمان که غرض آن دعوت به توحید، ایقان، ایمان به معاد و عمل به کلیات شرایع است (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص ۳۲۸)، اما تنها ۳۴ آیه دارد و از نظر ساختار طولی با سوره سبأ شباهتی ندارد.
 - سوره توحید با تنها سه آیه، غرض آن بیان توحید و مراتب آن است (همان، ج ۲۰، ص ۸۸۵)، در حالی که سوره یونس با ۱۰۹ آیه، هدفی مشابه اما با تأکید بیشتر بر توحید از طریق بیم و امید دارد (همان، ج ۱۰، ص ۷). هر دو سوره در مکه نازل شده‌اند، اما اختلاف طولی زیادی میان آن‌ها وجود دارد.
 - سوره طور که غرض آن تهدید و انذار مکذبین است، با ۴۹ آیه و سوره‌ای مکی (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۹، ص ۵) در مقایسه با سوره قمر که آن هم سوره‌ای مکی با هدف تهدید و انذار است، اما دارای ۵۵ آیه و ساختاری متفاوت است (همان، ص ۱۰۴).
۲. این اختلاف طولی در سوره‌های مدنی نیز قابل مشاهده است.
- سوره طلاق (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۹، ص ۶۲۷) در مقایسه با سوره نساء (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۲۹)، علیرغم شباهت غرض هر دو در بیان احکام و قوانین نکاح، طلاق، ارث و حقوق زنان، از نظر ساختاری کاملاً متفاوتند، به‌گونه‌ای که سوره طلاق به‌عنوان «نساء صغری» شناخته می‌شود.

با توجه به این شواهد، می‌توان نتیجه گرفت که عامل اصلی اختلاف طولی سوره‌ها نمی‌تواند صرفاً تفاوت اهداف و اغراض باشد. این اختلاف‌ها به ویژگی‌های دیگری از اعجاز قرآن مانند اسلوب بیانی، تناسب آیات و مخاطبان خاص هر سوره نیز مرتبط است.

۲. از طرفی، مفسرانی چون علامه طباطبایی و سید قطب (صاحب تفسیر «فی ظلال القرآن»)، علیرغم اینکه علت اختلاف طول سوره‌ها را در تفاوت اهداف سوره‌ها جستجو می‌کنند، برای برخی از سوره‌ها هدف واحدی را مشخص نمی‌نمایند. به‌عنوان مثال، علامه درباره سوره بقره می‌فرماید: چون این سوره به‌صورت قسمت‌های مختلف و جداگانه نازل شده است، تمامی آیات آن یک مقصد مشخص را دنبال نمی‌کند، اما بیشتر

در صدد بیان حقوق خدا بر بندگان است (همان، ج ۱، ص ۵۲). همچنین، گاهی موضوع سوره‌ها را به‌عنوان هدف معرفی می‌کند؛ مانند سوره قیامت که به موضوعات آن اشاره دارد (همان، ج ۱۹، ص ۲۳۰) یا سید قطب که در تفسیر خود به دو عنصر به‌عنوان دو موضوع اصلی سوره بقره اشاره می‌کند (معرفت، ۱۳۹۸، ص ۵۲). به همین ترتیب، علامه موضوعات سوره حمد را به‌عنوان هدف این سوره معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۷).

۳. از سوی دیگر، علمایی چون آیت‌الله معرفت در برخی از نوشته‌های خود، علت اختلاف طول سوره‌ها را گاهی اعجاز قرآن و تناسب آیات دانسته‌اند (معرفت، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱) و در جایی دیگر، هدف سوره‌ها را به‌عنوان علت اختلاف ساختاری معرفی کرده‌اند (معرفت، ۱۳۹۷، ج ۵، ص ۱۸۷). این تفاوت در دیدگاه‌های آیت‌الله معرفت به جنبه‌های مختلف حکمت ذاتی و حکمت فرعی برمی‌گردد. با این توجیه که هدف سوره‌ها دلیل و حکمت فرعی اختلاف ساختاری سوره‌ها محسوب می‌شود، در حالی که بلاغت در اعجاز بیانی، حکمت اصلی و ذاتی کوتاهی و بلندی سوره‌هاست.

۴. برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که حجم سوره‌ها تابع عامل درونی یعنی غرض سوره است و رعایت این عامل بر هماهنگی خارجی میان سوره‌ها مقدم است. لذا بخش‌بندی قرآن به سوره‌ها از تناسب دقیقی برخوردار نیست (حامد، معرفت، ۱۳۹۸، ص ۲۷۴). با این حال، باید گفت که درست است که غرض سوره‌ها بر حجم و طول آن‌ها تأثیر دارد، اما عامل درونی قرآن تنها به غرض سوره‌ها محدود نمی‌شود. عامل دیگری به نام بلاغت نیز وجود دارد که عنوانی کلی‌تر و عام‌تر از غرض سوره است و تأثیر بسیار زیادی بر حجم سوره‌ها دارد.

مؤید این مطلب، این است که دکتر حامد معرفت ادعا دارد غرض سوره در آهنگ کلمات قرآن نیز تأثیرگذار است. به‌عنوان مثال، در مواردی که هدف سوره سرکوب مخالفان است، از ضرب‌آهنگی تند و کوبنده استفاده می‌شود؛ مانند سوره مسد که با حروف تند و کوبنده آغاز می‌شود. برعکس، هنگامی که هدف سوره حمایت از مؤمنان است، ضرب‌آهنگ آن آرام و ملایم است؛ مانند سوره کوثر که غرض آن تسلای خاطر پیامبر است (همان، ص ۲۷۸). از آنجا که ویژگی ضرب‌آهنگ کلمات قرآن یکی از ابعاد اعجاز بیانی قرآن است، می‌توان گفت که رابطه تنگاتنگی میان غرض سوره و اعجاز بیانی قرآن وجود دارد.

خداوند با توجه به هدفی که از نزول هر سوره دنبال کرده است، برای تربیت جامعه مخاطب خود، مسائل و مطالب موردنیاز را در قالب ساختارهای بلند و کوتاه مطرح نموده است. این روش، علاوه بر ایجاد عمیق‌ترین تأثیر بر مخاطب، با استفاده از ادبیات و ساختار بیانی منحصر به فرد، مخاطب را قانع ساخته است. این ویژگی‌ها، نمودهای بارز بلاغت و فصاحت قرآن هستند.

به‌عنوان مثال، سوره یس با ۸۳ آیه، به غرض بیان اصول سه‌گانه دین پرداخته است. این سوره با توجه به فضای نزول و مقتضای حال مخاطب، ابتدا از مسئله نبوت آغاز می‌کند، سپس به توحید می‌پردازد و در ادامه معاد را بیان می‌کند. در نهایت، به همان مطلب آغازین بازمی‌گردد و خلاصه‌ای از اصول سه‌گانه را ارائه می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۷، ص ۹۵).

در سوره فاطر نیز به هدف بیان اصول سه‌گانه دین، یعنی توحید و ربوبیت الهی، رسالت رسول خدا، معاد و بازگشت به سوی او، در قالب ۴۵ آیه پرداخته شده است که با فضای مکه سازگار است (همان، ص ۵). علیرغم شباهت هدف در این دو سوره، تفاوت‌های بیانی به مقتضای حال مخاطب و همچنین اختلاف در ساختار سوره مشاهده می‌شود.

این تبیین نشان می‌دهد که غرض هر سوره در اختلاف ساختاری آن، یکی از جلوه‌ها و نمونه‌های بلاغت سوره‌ها در سبک بیانی و ادبی قرآن است. خداوند با رعایت بلاغت و فصاحت، متناسب با فضای نزول، مقتضای حال مخاطب و نیازهای او، و همچنین هدفی که از نزول هر سوره قصد داشته است، حجم سوره‌ها را ساختار بندی کرده و به اندازه‌های مناسب نازل کرده است. نظریه ابوزید که عامل کوتاهی و بلندی سوره‌ها را به مباحث برون‌متنی قرآن، همچون فضای اجتماعی و روانی مخاطبان عصر نزول و جایگاه پیامبر اکرم (ص)، مرتبط می‌داند، می‌تواند با یک تحلیل مناسب به بحث بلاغت قرآن و هدف سوره‌ها مرتبط شود. این دو عامل در واقع همان رعایت مقتضای حال مخاطب و فضای نزول با هدف تأثیرگذاری بر مخاطب هستند که ارتباط آن‌ها در متن نوشتار توضیح داده شده است.

هر سوره، به فراخور هدف و غرض خود، از مباحث گوناگون سخن گفته و مطالب آن، متناسب با نیاز، شرایط و اقتضانات حال مخاطب، برای تحقق هدف سوره به کوتاهی یا بلندی ختم شده است. هنر ارائه سوره بر مبنای غرض و هدف آن، که انسجام‌دهنده سوره و علت بلندی و کوتاهی آن است، به اعجاز قرآن در جنبه بلاغت و بیان بازمی‌گردد.

با این توجیه، نگارنده بر این باور است که غرض سوره‌ها یکی از حکمت‌های میانی و فرعی درون‌متنی کوتاهی و بلندی سوره‌های قرآن است که به بلاغت قرآن بازمی‌گردد. قرآن با توجه به

تفاوت اهداف نزول سوره‌ها، علیرغم شباهت برخی اهداف جزئی میان چند سوره، برای تبیین اهداف کلی و متناسب با آن‌ها، سوره‌ها را در اندازه‌های متفاوت نازل کرده است.

تناسب‌سازی طول سوره‌ها بر مبنای هدفی والا، یعنی هدایت بشر به سوی توحید و یکتاپرستی، فعل حکیمانه و هنر معجزه‌آسای ذات باری تعالی است. اگر اسلوب بیانی سوره‌های قرآن در سبک ایجاز و اطناب وجود نداشت، چنین تناسب‌سازی امکان‌پذیر نبود. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که: حکمت کوتاهی و بلندی سوره‌های قرآن به‌خاطر هدف هر سوره، یک حکمت ابزاری برای اثبات اعجاز ساختاری قرآن است. اما حکمت ذاتی و اصلی اختلاف طولی سوره‌ها، بلاغت و فصاحت قرآن است که یک حکمت درون‌متنی محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

حجم واژگان، جملات و عبارات در سوره‌های قرآن با یکدیگر متفاوت است و این تفاوت موجب بلندی یا کوتاهی سوره‌ها و آیات قرآن شده است. یکی از حکمت‌های این اختلاف ساختاری سوره‌های قرآن به‌بعد اعجاز بیانی و بلاغت قرآن بازمی‌گردد. اقتضای بلاغت در سوره‌ها ایجاب می‌کند که طول سوره‌های قرآن از نظر ظاهری متفاوت باشد؛ امری انکارناپذیر که نشان‌دهنده ایجاز و اطناب است، ویژگی‌هایی که خود را در قالب کوتاهی و بلندی سوره‌های قرآن نمایان می‌سازند. قرآن کریم برای ایجاد تأثیرگذاری حداکثری و هدایت الهی مخاطب خود، از جنبه نظری، نگرشی و کنشی، از این شیوه بهره برده است. یکی از دستاوردهای این تحقیق آن است که علیرغم اینکه برخی از مفسران معاصر مانند علامه طباطبایی، سید قطب و دیگران بر این باورند که حکمت این اختلاف ساختاری به غرض و هدف سوره‌ها بستگی دارد، اما این معیار نیز از مصادیق بلاغت سوره‌ها به‌شمار می‌آید که از مؤلفه‌های اعجاز بیانی قرآن محسوب می‌شود.

به نظر نگارنده، اینکه خداوند بر اساس مقتضای حال مخاطب، نیاز او و اغراضی که مدنظر داشته است، سوره‌های قرآن را در قالب ساختارهای کوتاه و بلند شکل‌بندی کرده، خود اعجازی در روش بیان بوده و نشان‌دهنده فصاحت و بلاغت کلام الهی است. از این رو، هدف سوره‌ها می‌تواند به‌عنوان یکی از ملاک‌های میانی و فرعی کوتاهی و بلندی سوره‌ها مطرح باشد، در حالی که علت حقیقی و ذاتی این اختلاف ساختاری، فصاحت و بلاغت قرآن است.

فهرست منابع

❖ قرآن کریم

۱. ابوزهره، محمد؛ ذبیحی، محمود، معجزه بزرگ پژوهشی در علوم قرآنی، مشهد: ناشر آستان قدس، ۱۳۷۹ش.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه، ۱۳۶۳ش.
۳. البوطی، محمد سعید رمضان، من روائع القرآن، دمشق: مکتبه الفارابی، ۱۹۷۷م.
۴. بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی (مبانی، اصول، قواعد و فواید)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲ش.
۵. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بی نا، بی تا.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم: قرآن در قرآن، چاپ هشتم، قم: مرکز انتشارات اسراء، ۱۳۸۸ش.
۷. جواهری، سید محمدحسن، درس نامه اعجاز قرآن، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۸ش.
۸. خاتمی، احمد، بلاغت در نهج البلاغه، شبکه تلویزیونی افق، تاریخ ۱۴۰۱/۱/۱۶.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۱۰. رافعی، مصطفی صادق، اعجاز قرآن و بلاغت، مترجم: عبدالحسین ابن الدین، قم: بنیاد قرآن، ۱۳۶۰ش.
۱۱. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، دارالفکر، بیروت: ۱۴۲۳ق.
۱۲. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: عیسی البابی الحلبی، ۱۹۷۵م.
۱۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، ترجمه و شرح الإنقان فی علوم القرآن، مترجم: مهدی حائری قزوینی، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲ش.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، چاپ نهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد های مختلف، چاپ ششم، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، با همکاری نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۶ش.

۱۶. قطب، شاذلی، فی ظلال القرآن، مقدمه تفسیر سوره بقره، بیروت و قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۱۷. محمدی، حمید، آشنایی با علوم بلاغی، چاپ نهم، قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۵ش.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، چاپ سیزدهم، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۱۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۳۰ق.
۲۰. معارف، مجید، اعجاز علمی قرآن در تفسیر نوین، شیراز: مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۳۷، ۱۳۸۵ش.
۲۱. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۹۳ش.
۲۲. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مطبعه مهر، ۱۳۹۷ش.
۲۳. معرفت، محمدهادی، تفسیر الأثری، مترجم: جواد ایروانی، قم: انتشارات تمهید، ۱۳۹۰ش.
۲۴. معرفت، محمدهادی، تفسیر الأثری الجامع، قم: مؤسسه التمهید، ۱۳۸۷ش.
۲۵. معرفت، حامد، نظریه غرض محوری در انسجام سوره‌های قرآن، قم: انتشارات تمهید، ۱۳۹۸ش.
۲۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵ش.
۲۷. مودب، سید رضا، اعجاز قرآن در نظر اهل بیت و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، قم: انتشارات احسن الحدیث، ۱۳۷۹ش.
۲۸. نصیری، علی، «اقتباس از مقاله ساختار درونی روشمند آیات قرآن»، آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۳، ۱۳۹۰ش.
۲۹. نصیری، علی، معرفت قرآنی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۳۰. نصر حامد ابوزید، معنای نص، مترجم: مرتضی کریمی نیا، چاپ پنجم، تهران: طرح نو، ۱۳۸۹ش.